

۲۸ - شماره ۱۱ - ۱۳۸۲

سماع

در ساحل دریای مهتاب گرفته
 به تماشای هیاهوی امواج ایستاده‌ام
 در شوقی غوطه ورم
 که نیازم به شنای دریا نیست
 شاید شناگر نیستم
 و این زیبا نیست
 می‌دانم
 ☀
 آنان که از توفان نمی‌هراسند
 و بر جان نمی‌لرزند
 شناوران پلنگ ستیز اند
 و من
 در ساحل دریای مهتاب گرفته
 می‌خواهم در رقص طلایی موج‌ها
 به سماع برخیزم
 و هرگز دیگر از پا ننشینم .